صفحه خبر و نظر

اصغر کریمی

**گوشمالی آمرین به معروف گسترش یافته است**

- روز چهارشنبه ۱۸ مردادماه ۹۶ در بجنورد، مسلم محمدیاران، دادستان عمومی و انقلاب در شهر بجنورد، مورد هجوم مردم قرار گرفت و زخمی شد.

- شامگاه دوشنبه ۱۶ مردادماه ۹۶ در خیابان ذکریای رازی شهر ری یک آخوند مورد تهاجم جوانان قرار گرفت. بنا‌ به این گزارش جوانان این منطقه اعلام کرده‌اند که در عکس العمل به قتل اصغر نحوی‌پور در روز ۲۵ تیر امسال، این آخوند را مورد تهاجم قرار داده‌اند.

- طبق خبرهای منتشره یکی از اعضای شورای شهر سنندج مورد گوشمالی افراد ناشناس قرار گرفت.

- روز سه شنبه ۳ مرداد ۹۶ یکی از آخوندهای نهاوند که مزاحم زنان و جوانان نهاوندی شده بود توسط دو جوان بشدت مورد ضرب و شتم قرار گرفت و راهی بیمارستان شد. اقدام این دو جوان مورد استقبال حاضرین قرار گرفت. همه حاضرین بر این عقیده بودند که این آخوند در کار و زندگی مردم دخالت بیجا و فضولی میکند و حقش همین است که با کتک سر جای خودش قرار گیرد.

- ساعت ۱۰ و ربع شب دوشنبه ۲۶ تیرماه ۹۶، آخوند ۳۶ ساله ای که امام جماعت روستای معتمدیه شهرستان فیروزه و از فعالان حوزه امر به معروف و نهی از منکر بود، در خیابان رازی نیشابور از نزدیک و با افشانه فلفلی توسط یک گروه هشت نفره مورد حمله قرار گرفت و راهی بیمارستان شد و تحت مراقبت های ویژه قرار گرفت.

- محسن فراهانی در اسلام شهر، ۳۱ اردیبهشت ۹۶ امر به معروف و مزاحمت برای دیگران بشدت کتک خورد. این فرد در شهرک جانبازان قائمیه با فضولی در زندگی جوانان و سوالات نامربوط از آنها مزاحمت ایجاد میکرد.

آمار ضرب و شتم ماموران حکومت صدها بار بیشتر از اینها است. تنها موارد معدودی به بیرون درز میکند. بعضا شرم میکنند کتک خوردن خود را حتی به اعضای خانواده خود اطلاع بدهند و حکومت نیز تلاش زیادی میکند که این خبرها منعکس نشود. تا مزدورانش مرعوب نشوند و تصویر واقعی از خشم و نفرت مردم داده نشود.

مردم حق دارند اوباشی که در زندگی مردم فضولی میکنند را گوشمالی بدهند. مردم حق دارند عوامل تبهکاری که در سرکوب مردم به هر شکلی نقش دارند مورد حمله قرار دهند. این حق مردم است که حساب مقامات حکومت را که ۳۸ سال زندگی آنها را تباه کرده اند برسند. آخوندها و عوامل شناخته شده حکومت جرات حضور در خیلی از رستوران ها و برخی مناطق شهر را ندارند و هر روز فضا برای آنها ناامن تر میشود. روزی که مردم در ابعاد توده ای اراذل و اوباش امر به معروف و سرکوبگران حکومت را سرکوب کنند بزودی فرا میرسد. وقت آن است که عوامل فریب خورده حکومت که سهمی هم در چپاول حکومتیان ندارند فکری به حال خود بکنند و خود را از حکومت کاملا جدا کنند.

**روسای بانک یا مقامات امنیتی؟**

روابط عمومی بانک ملی درمورد تجمعات اعتراضی کارگران فولاد اهواز که روز ۲۵ مرداد به تهران کشیده شد ادعا کرده است: "انجام این اعتصاب و اعتراض در حالی است که بانک ملّی ایران ظرف سه ماه اخیر پرداخت هایی در زمینه رفع مشکلات کارگران کارخانه انجام داده است از طرفی در حال حاضر کارخانجات و شرکت هایی هستند که بیش از شش ماه حقوق عقب افتاده دارند ولی از این اعتراضات مشکوک خبری نیست".

اولا ایشان مقام امنیتی حکومت است یا یک مقام بانکی! از اظهارات ایشان برمیاید که مثل اکثر مسئولین جمهوری اسلامی هر دو شغل شریف! را دارد. تا مقامی صداقت خود را به حکومت و جنایاتش نشان نداده باشد و اعتماد بالاترها را جلب نکرده باشد به مقامی گمارده نمیشود. ثانیا اعتراض ۴۰۰۰ کارگر فولاد اهواز چه مشکوک باشد چه نباشد اما روسای بانک ملی و سایر مقامات و آیت آلله های حکومت مطلقا افراد مشکوکی نیستند! بی ربطی آنها به هرنوع انسانیتی، عقب مانده بودن و ارتجاعی بودن آنها، نقش آنها در ماشین جنایت حکومت و در اختلاس ها و دزدی های میلیاری برای همه مردم ایران معرفه است. سوم اینکه ایشان شاید خواب تشریف دارند که میگویند کارگران سایر مراکز که ششماه حقوق نمیگیرند اعتراضی هم نمیکنند. سالانه هزاران اعتصاب و تجمع اعتراضی در سراسر کشور مطابق آمار همکارانشان در نیروی انتظامی و ارگانهای امنیتی منتشر میشود. نیروی انتظامی استان مرکزی همین سه روز قبل گفته بود که تجمعات اعتراضی ۲۴۰ درصد در سال جدید افزایش یافته که اکثرا مربوط به مسائل اقتصادی است. اما ادعای این مقام بانکی یا امنیتی بیشتر اعترافی است که در حکومت ایشان دستمزد یک پنجم خط فقر و یک صدم حقوق همین مقام بانکی را ششماه ششماه پرداخته نمیشود.

اما اعتراض چهارهزار کارگری که سالها توسط بانک ملی یا یک ارگان دولتی دیگر و یا یک کارفرمای خصوصی به شدیدین وجهی استثمار شده و حقوقی که برای آنها توسط شورایعای کار تعیین شده کمتر از هزینه یک روز زندگی روسای بانک ها و سایر مقامات حکومت است را مشکوک قلمداد کردن بیش از وقاحت و بیشرمی است. ایشان اینرا هم از خمینی و خامنه ای و رفسنجانی و روسای سپاه و وزارت اطلاعات آموخته است. هر نوع اعتراضی از خیزش میلیونی مردم در سال ۸۸ تا اعتصابات هر روزه کارگری، از اعتراضات هر روزه و هر ساعته علیه حجاب و بیحقوقی تا اعتراض مردم به اختلاس این آقایان همه و همه توسط مقامات حکومت به عوامل مشکوک و استکبار جهانی و اسرائیل نسبت داده میشود. ایشان شاید به خیال خود دارد به مقامات امنیتی!‌ چراغ سبز سرکوب میدهد. اما مقامات امنیتی و انتظامی درس خود را خوب بلدند اگر اعتراضات را به شیوه سابق سرکوب نمیکنند علتش به سادگی این است که توان سابق را ندارند.

**مصالح ملت از نگاه روحاني!**

روحانی در سخنرانی اش در مجلس شورای اسلامی گفت: ملت ایران مصالح بلندمدت را به رفاه ناپایدار ترجیح می‌دهد.

صریحتر از این نمیشد به مردم وعده ادامه فقر و فلاکت داد. فعلا حل معضلات اقتصادی اکثریت مردمی که زندگی شان را تباه کرده ایم در دستورمان نیست. "ملت ایران" در ۳۸ سال گذشته هم یعنی به اندازه سه نسل مصالح بلندمدت را به رفاه ناپایدار ترجیح داده است و حاضر است چند نسل دیگر هم منتظر رفاه بماند!

در مقابل کارفرماها اما روحانی به حدکافی سخاوت نشان داده است. میگوید طرح کارورزی یعنی استخدام موقت نیروی جوان و تحصیل کرده با ماهی ۳۰۰ هزار تومان را عملی میکنیم که هزینه کارفرماها را پایین بیاوریم، کارفرماها را از سهم بیمه ای که باید پرداخت کنند هم کاملا معاف میکنیم که انگیزه بیشتری برای سرمایه گذاری داشته باشند.

فرق دو جناح این است که روحانی صریحا میگوید دغدغه فقر و محرومیت اکثریت مردم را ندارد. واقعا هم میداند که در این نظام وعده رفاه که چه عرض کنم حتی کاهش فشار اقتصادی هم دروغی بیش نیست. اما جناح دیگر در دعواهای جناحی خود را طرفدار حل مشکلات اقتصادی مردم جا میزند ولی نسخه اش سرکوب بیشتر و اسلامی کردن بیشتر است. در واقع به روحانی میگوید شرط عملی کردن این برنامه اقتصادی سرکوب بیشتر و امتیاز دادن بیشتر به سپاه است.

و مردم هر دو جناح را در ۳۸ سال گذشته به حد کافی تجربه کرده اند. باید به انتخاب آلترناتیو چپ سرعت بیشتری بدهند.

**صحنه هایی که به یاد خواهند ماند**

صحنه های اعتراض مردم دزفول به مشکل آب و رفتار وحشیانه سرکوبگران حکومت واقعا دیدنی است. حضور وسیع زنان و روحیه بالایی که مردم در مقابل مزدوران حکومت نشان میدهند، ایستادگی آنها و فریاد خشم و نفرت آنها صحنه هایی بیاد ماندنی خواهند شد. این مردم عزم سرنگونی دارند.

چه کسی ممکن است در شهر دزفول از مفتخوران باشد و طرفدار چنین حکومتی باشد! کدام جوانی، کدام کارگری، کدام معلم و زحمتکشی، کدام زنی در دزفول ممکن است هنوز به این حکومت توهمی داشته باشد. فضا واقعا عوض شده است. در همه جا مردم این صحنه ها را دیده اند و همه جا فضا همین است. این فضا از جنس سرنگونی است. عوامل حکومت هم تردیدی ندارند که بر دریایی از خشم و انزجار مردم نشسته اند. میدانند که عمر این رژیم دوامی ندارد.

کاظم نیکخواه

**داستان مهدی کروبی**

مهدی کروبی این هفته اعتصاب غذا کرد و بعد از چند ساعت به بیمارستان منتقل شد و اعتصابش را شکست. این خبر در رسانه های دوم خردادی بازتابی وسیع یافت. از رنج کروبی گفتند. از دخالت ماموران در زندگیش، از دوربین های مدار بسته و امثال اینها.

از نظر ما و هر انسان آزاده ای مهدی کروبی و موسوی و رهنورد حق دارند بخواهند دادگاهی برایشان تشکیل شود، دادگاهشان علنی باشد، وکیل مدافعی با انتخاب خودشان داشته باشند. مامورین حکومت اسلامی حق ندارند زندگی خصوصی آنها را زیر نظر داشته باشند.

اما حقیقت اینست که سینه چاکان مهدی کروبی و شرکا فقط این ها را نمیخواهند. تلاششان اینست که یک بار دیگر یک آخوند را به راس جنبش مردم برانند و این جنبش را مثله کنند. سوال ما از این جماعت اینست که اولا؛ آیا همین حقوق ساده ای را که ما برای مهدی کروبی و هرکس دیگری قائلیم خود شما برای تک تک مردم این مملکت قائل هستید یا بودید؟ آیا خود کروبی و موسوی و خاتمی و بقیه به اپوزیسیون رانده شدگان، هیچگاه در عمرشان از وکیل مدافع و دادگاه علنی برای چپها و مجاهدین و کل زندانیان سیاسی ای که فله ای در خیابانها دستگیر شدند و اعدام شدند دفاع کرده اند؟ آیا جناب کروبی خود از اعدام های گروه گروه زندانیان در دهه شصت که هر روز صدها نفر را به گلوله میبستند دفاع نمیکرد؟ آیا در همین سالهای اخیر اپوزیسیون حکومتی و دوم خردادی و موسوی چی، یک بار از اسماعیل عبدی و بهنام ابراهیم زاده و آتنا دائمی و محمد جراحی که به جرم دفاع از کارگران و حقوق انسانی به سالها زندان محکوم شدند دفاع کرده اند؟ بهرحال هدف از یاد آوری آن فاکتها اینست که بگوییم کروبی حق دارد زندانی این دیو خبیثی که خود پایه گزاری کرد نباشد، اما اگر مدافعانش فکر میکنند میتوانند دوباره با آخوند و مذهب و اسلام جنبش مردم را مثله کنند، کور خوانده اند.

جمهوری اسلامی را امثال رفسنجانی ها و کروبی ها و موسوی ها و گنجی و مهاجرانی و سازاگارا و سروش با جنایت و بیرحمی تمام بر سر مردم ایران حاکم کردند. اینها هم اکنون هم خیلی هایشان حاضر نیستند یک کلمه علیه جلادانی مثل لاجوردی و خلخالی بر زبان بیاورند. اکنون این دیو خبیثی که امثال کروبی ها ساختند بلای جان خود آنها نیز شده است. آیا ما مردم در این شرایط باید از حقوق کروبی دفاع کنیم؟ بله. کروبی یک قربانی نظامی است که خود پایه گذاراش بود. کروبی را ما از حکومت اسلامیش نجات خواهیم داد. اما ما فراموش نکرده ایم که امثال کروبی و موسوی و بقیه چه بلایی سر این جامعه آوردند. این را هم باید در کنار مظلومیتشان گفت و نوشت تا اینکه معلوم شود که استفاده از "مظلومیت" اینها برای توهم پراکنی در میان مردم و "سبز کردن" و اسلامی کردن جنبش مردم چقدر نفرت انگیز و زشت و کثیف است.

سینه چاکان کروبی و کل جنبش اسلامی قاعدتا باید با مشاهده فضای پیشرو و مدرن و ضد اسلامی جامعه متوجه شده باشند که دوره بازی با کارت اسلام و مذهب و آخوند برای خفه کردن صدای مردم دیگر گذشته است. این جنبش حکومت اسلامی را به سه کنج رانده است. هنوز این حکومت دارد هرروز جنایت میکند اما روشن است که در حالت دفاعی و افول است. این را حتی سرانش هم بر زبان می آورند. سرنوشت امروز کروبی و شرکا نتیجه وضعیت نزار و افول کل حکومت اسلامی است. اینها برای نجات حکومتشان از سقوط و سرنگونی دست به تلاشهایی زدند و به ناگهان بدون اینکه بخواهند به اپوزیسیون رانده شدند. و گرنه هنوز در کنار بقیه مشغول کسب و کار سابقشان بودند.

ما مردم باید نسبت به تقلاها و رهبر تراشی های مسخره طیف دو خردادی و ملی اسلامی هشیار باشیم. نباید اجازه دهیم که مبارزات ما تحت الشعاع این نوع اخبار و جنجالها قرار گیرد. همین دو سه روز پیش ماموران حکومت اسلامی مظفر عباسی پدر سه کودک خردسال را جلوی چشم مردم در قم وحشیانه هنگام دستفروشی کشتند. نباید اجازه دهیم که این خبرها از جلوی چشم مردم دور شود. این خبر و اخبار اعتصابات و اعتراضات مردم دزفول و کارگران نورد و هپکو و پتروشیمی و هفت تپه و امثال اینها، قطعا مهمتر از تحرکات جناحهای حکومت است.

جمهوری اسلامی به جرم جنایات و زندان کردن مردم و اعدامهایش باید سرنگون شود و کل جنبش اسلامی از صحنه جامعه جارو شود. این تنها راه دست یافتن ما مردم به زندگی انسانی است. هرکس که ذره ای دلسوز مردم باشد باید برای جارو کردن کل این جنبش کثیف از صحنه جامعه ایران تلاش کند.